

# ایری ای

فرزندم با دقت بخوان، بعد من می خوانم تو بنویس.

نوری در آسمان بود. آسمان آبی بود. نسیم می آمد. برادرَم بیمار است.

برادرَم آمین نام دارد. او در ساری بستری است. سینا با آمین دوست

(املای ۱)

است. سینا با سیما در ساری بودند. او سینا را دید. آمین بیدار بود.

سیما روسری دارد. او در سینی سیب با بستنی دارد. برادرَم سیب

بر می دارد. سینا بستنی بر می دارد. من سیب با بستنی بر می دارم. امیر

با من دوست است. او ایرانی است. ما ایران را دوست داریم.

ایران آباد باد. (املای ۲)

فرزندم با دقت بخوان، بعد من می خوانم تو بنویس.

مادر با سوزن دامن می دوزد. امیر میز می سازد.

زری انار را از زمین برمی دارد.

ایران سرسبز است. ایران آزاد است. ایرانی آزاد است. ما ایران را

دوست داریم. ایران زیبا است. ایران آباد باد. ایران آزاد باد. (املای ۱)

تبریز در ایران است. تبریز تمیز است. تبریز زیبا است. من تبریز

را دوست دارم. دیروز در تبریز باران می بارید. مادرم با ساناز در بازار

بودند. در بازار زنی سبد می سازد. مردی ساز می زند.

زنی با سوزن رومیزی می دوزد. مردی سیب زمینی در ترازو می ریزد.

سربازان نیز در بازار بودند. ساناز با من دوست است. او زیبا ساز

می زند. او نماز را دوست دارد. او می داند نماز او را از بدی باز می دارد.

ساناز زودتر از مادرم از بازار آمد. ساناز سبزی در دست دارد. (املای ۲)